

خردورزی در روزگار گسسته‌پی

الیف شافاک

موسی صدراپی



نمونه ایلیا

www.ketab.ir

سرشناسنامه: شفق، الیف، ۱۹۷۱-م. صدرایی، موسی ۱۳۳۸-
عنوان و پدیدآور: خردورزی در روزگار گسسته‌بی / الیف شافاک
مشخصات نشر: رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۶۵ ص.
شابک: ۲- ۷۵۷- ۱۹۰- ۹۶۴- ۹۷۸

یادداشت: عنوان اصلی: How to stay sane in an age of division, 2020.

موضوع: جامعه‌شناسی سیاسی موضوع: Political sociology
موضوع: روان‌شناسی اجتماعی موضوع: Social psychology
موضوع: مناقشات اجتماعی -- جنبه‌های روان‌شناسی
Social conflict -- Psychological aspects موضوع:
موضوع: اضطراب موضوع: Anxiety موضوع: زنان موضوع: Women
موضوع: کووید-۱۹ موضوع: COVID-19 Disease
شناسه افزودن: صدرایی نجفی، موسی، ۱۳۳۸-، مترجم
رده‌بندی کنگره: JAV۶ رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۲
شماره کتاب‌خانه ملی: ۸۷۰۱۵۲۲

شابک نخست: بهار ۱۴۰۱

خردورزی در روزگار گسسته‌بی

الیف شافاک

ترجمه: موسی صدرایی

چاپ دوم: تابستان ۱۴۰۱

شمارگان: پانصد نسخه

شماره نشر: ۸۳۳

شابک: ۲- ۷۵۷- ۱۹۰- ۹۶۴- ۹۷۸

نسخه‌پردازی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا

نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رسته خیابان آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خیابان صفای
میدان کوجه حاتم، شماره ۴۹ تلفن: ۳۳۴۴۶۷۳۳ ۳۳۴۴۶۷۳۲-۱۳

www.farhangeilia.ir
nashre.farhange.ilia
nashreilia@yahoo.com
NFilia

همه‌ی حقوق نشر این کتاب محفوظ است.

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۳	خِرَدورزی در روزگار گسسته بی
۲۵	سرخوردگی و سرگشتگی
۴۷	اضطراب
۵۱	خشم
۵۷	بی تفاوتی
۶۱	اطلاعات، دانش، خِرَد

یادداشت مترجم

الیف شافاک در استراسبورگ، فرانسه در یک خانواده ترک به دنیا آمد. پس از طلاق والدینش به همراه مادرش مدتی در خانه مادر بزرگش زندگی کرد. این دوزن نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت فمینیستی‌اش ایفا کردند. مادرش زنی تحصیل‌کرده، سکولار و مدرن و مادر بزرگش زنی عامی و خرافاتی اما سرد و گرم چشیده و در فضای به‌شدت مردسالار محله، درمانگرِ آلام همسایگانش بود. در نقوش دُرْد فنجان قهوه، آینده را می‌دید. سرب را به اشکال عجیب و غریبی ذوب می‌کرد تا دفع چشم‌زخم کند. برای درمان زگیل، کلماتی عربی به زبان می‌آورد. سیبی برمی‌داشت و به تعداد زگیل‌ها، خار گل سرخ در آن می‌نشاند. سپس با مرکب دایره‌ای دور آن می‌کشید. و عجیب آن‌که پس از مدتی زگیل‌ها و رُخ‌جوش‌ها محو می‌شدند. مادر بزرگ راز درمانش را در دایره‌هایی می‌دانست که دورتادور زگیل می‌کشید. شافاک می‌گوید درس بزرگی که از مادر بزرگم گرفتم آن بود که اگر می‌خواهم چیزی را در زندگی نابود کنم، چه رُخ‌جوش باشد چه عیب و نقصی، و یا حتی روح انسانی، باید آن را درون حصاری سنگین محصور کنم تا خود بخشد. ما همگی درون دایره‌هایی اجتماعی و

فرهنگی جا خوش کرده‌ایم. درون یک خانواده، ملت یا طبقه خاص. اگر ارتباط‌مان را با دنیای بیرون از دایره قطع کنیم و درخود آشنای مان عقب بنشینیم، به فرایند خشکیدن مجال بروز می‌دهیم. قوه تحلیل، قلب و انسانیت‌مان رو به زوال می‌گذارد. اگر دوستان‌مان، همسایگان‌مان، خویشان و دیگر کسانی که در این دایره‌اند شباهت‌هایمان را بتابانند، آنگاه باید گفت که در انعکاس خود گرفتار آمده‌ایم. در تالار آینه‌ای بی‌انتها حبس شده‌ایم. نارسیس اولین کسی بود که به دلیل نگاه کردن به بازتاب خودش، جان داد.

مگان اوگیلین* می‌گوید: آینه‌ها ترسناک‌ترین چیزهایی هستند که در خانه نگه می‌داریم. در تمام فرهنگ‌های بشری، باورهای خرافی گوناگونی درباره آینه‌ها وجود دارد. شاید دلیلش این است که ما وحشت‌انگیزترین چیزی که در زندگی مان می‌شناسیم را در آن می‌بینیم: خودمان را. هرچه در عکس‌های آلبوم خانوادگی مهربان و آرامیم، جلوی آینه شکلک‌های دیوانه‌وار در می‌آوریم. انگار هیولایی که در وجودمان نهفته، از طریق آینه است که خودش را نشان می‌دهد. این ترس‌ها امروز بیشتر از همیشه هم شده‌اند، چون همه‌مان در تالار آینه‌ای بی‌انتها حبس شده‌ایم: اینترنت.

خُرده‌گتوهای فرهنگی، آن‌هم در عصر جهانی شدن، همه‌جا در حال شکل گرفتن است. فرقی نمی‌کند لیبرال باشند یا محافظه‌کار، خدا‌باور باشند یا خدا‌ناباور، ثروتمند باشند یا فقیر. حباب‌های گروه‌اندیشی یا گتوهای رسانه‌ای، ما را به درون دایره می‌کشاند. در محاصره تصویر خود قرار می‌گیریم.